

یادداشت

امنیت؛ خاصیتی درون‌زا

از یک سیستم سالم

نگاهی به امنیت اجتماعی با ۲ رخداد تلخ اخیر



طوفان عزیزی

در روزها و ماه‌های گذشته، دو خبر تلخ جامعه را به شدت تحت تأثیر قرار داد؛ نخست، قتل امیرمحمد خالقی، دانشجوی جوان دانشگاه تهران که هنگام تعقیب سارقانی که لب‌تاپش را ردزیده بودند، با ضربات چاقو کشته شد و دوم، قتل الهه حسین‌نژاد، دختری جوان در تهران که در بازگشت از محل کار به خانه‌اش، گرفتار یک مسافرکش شیطان‌صفت شد و در پی درگیری با او، جان خود را از دست داد.

اینها فقط «خبر» نبودند؛ چیزی در این رخدادها بود که احساسات جمعی را جریحه‌دار کرد؛ ترکیبی از خشم، ترس و ناامنی و این پرسش بی‌پاسخ که چرا این اتفاق‌ها افتادند؟ و آیا ممکن بود یفتند؟ برای فهم بهتر این پرسش‌ها، باید از زاویه‌ای متفاوت به «امنیت» نگاه کنیم. از دید نظریه سیستم‌ها، «امنیت» نه صرفاً مجموعه‌ای از اقدامات پلیسی یا کنترل اجتماعی، بلکه یک ویژگی درون‌زا (Emergent Property) در یک سیستم زنده، پویا و متعامل است. سیستم‌های اجتماعی مانند بدن انسان عمل می‌کنند؛ تعامل اجزا، تبادل بازخورد، توانایی انطباق با تهدیدها و پایداری در برابر آشوب، همه از ملزومات «سالم‌ماندن» یک سیستم هستند. هر رخداد خ‌شونت‌آمیز، یک «علامت‌هشدار» است که نشان می‌دهد یکی از اجزای سیستم به درستی کار نمی‌کند.

نظریه سیستم‌ها می‌گوید هر پدیده‌ای در یک «کل درهم‌تنیده» معنا پیدا می‌کند. امنیت هم فقط یک اقدام یا ابزار نیست، بلکه نتیجه تعامل هماهنگ و پایدار اجزای یک جامعه است؛ آموزش، خانواده، رسانه، قانون، عدالت، اعتماد و امید.

در نظریه سیستم‌ها، یک سیستم زنده باید بتواند در برابر تهدیدها و نوسان‌های محیطی پایدار باشد، واکنش نشان دهد و خود را بازتنظیم کند. اگر یک جامعه توانایی شنیدن صدای اختلال‌ها و تطبیق‌دادن خودش با شرایط جدید را نداشته باشد، امنیتش متزلزل می‌شود.

امنیت، فقط حضور دوربین و گشت نیست؛ امنیت به‌عنوان یک «حس»، محصول پیوند سالم میان اجزای جامعه است. وقتی این اجزا در تعامل سازنده نباشند، «احساس ناامنی» به‌سرعت گسترش می‌یابد، حتی اگر آمار جرم تغییر چندانی نکند.

ما درآجاری امیرمحمد خالقی، همه چیز از یک سرقت شروع شد؛ اما آنچه دردناک‌تر است، نبود یک سازوکار حمایتی و بازدارنده بود. سارق، پیش‌تر هم سابقه سرقت داشت. این یعنی سیستم نظارتی و کیفری به اندازه کافی بازدارندگی نداشته است. مهم‌تر اینکه وقتی مردم حس می‌کنند خودشان باید امنیت‌شان را تأمین کنند، چون سیستم از آنها محافظت نمی‌کند، ریسک‌پذیری و خ‌شونت افزایش می‌یابد.

امیرمحمد به جای آنکه احساس کند ابزارها و نهادهای رسمی برای پیگیری سرقت کافی هستند، خود وارد تعقیب شد. این نقش‌یابی جایگزین از نشانه‌های اختلال سیستمی است.

در پرنوده الهه حسین‌نژاد، ما با یک تراژدی اجتماعی دیگر روبه‌رو بودیم؛ دختر جوانی که برای تأمین معاش خانواده و هزینه‌های درمان برادر دارای معلولیتش کار می‌کرد، در بازگشت از محل کار طعمه افکار شیطانی یک جنایتکار شد و جان خود را برای مقاومت در برابر او از دست داد.

امنیت به‌عنوان خاصیت درون‌زا (Emergent Property) در سیستم‌های پیچیده، به صورت خودبه‌خود از تعامل میان اجزای سیستم به وجود می‌آید. بنابراین تمرکز تنها روی تقویت اجزای منفرد کافی نیست، بلکه باید به تعاملات و ساختار کلی نیز توجه کرد. هرچه سیستم پیچیده‌تر باشد، نقاط شکست بالقوه بیشتری دارد. نظریه سیستم‌ها کمک می‌کند این آسیب‌پذیری‌ها شناسایی شوند و راهکارهایی برای افزایش تاب‌آوری (resilience) طراحی شود. در این چارچوب، امنیت تنها محافظت فیزیکی نیست، بلکه شامل بازخورد مثبت و منفی است. سیستم‌هایی که توانایی دریافت و تحلیل بازخوردها را دارند، بهتر می‌توانند در برابر تهدیدها واکنش نشان دهند و خود را تطبیق دهند (Adaptive Systems). در مقابل، سیستم‌هایی که در برابر تغییرات محیطی سخت‌گیر و ثابت هستند، انعطاف و توانایی انطباق‌پذیری نداشته و در بلندمدت امنیت خود را از دست می‌دهند.

در هر دو حادثه، عوامل جرم به‌نوعی از متن جامعه برخاسته‌اند، نه از بیرون آن. به عبارت دیگر، سیستم اجتماعی در تولید یا ناتوانی در مدیریت این رفتارها سهم دارد. وقتی آموزش، عدالت، رفاه، سلامت روان و شبکه‌های حمایتی در تعامل متوازن نباشند، سیستم دچار ضعف در تولید امنیت می‌شود. در این‌صورت، نه‌تنها امنیت فیزیکی، بلکه امنیت روانی، عاطفی و فرهنگی نیز دچار فرسایش می‌شود. برای مثال رشد فضای مجازی، تغییر در الگوهای زیست، مهاجرت گسترده به کلان‌شهرها و افزایش فشارهای روانی همه عواملی هستند که اگر دیده نشوند، سیستم به‌درستی عمل نمی‌کند.

در جامعه‌ای که نهادهای حمایتی خود را به‌روز نکنند، سیاست‌های بخش متولی با واقعیت‌های جدید هماهنگ نشوند و صداهای اعتراض شنیده نشود، فاصله بین مردم و سیستم بیشتر می‌شود و احساس ناامنی، حتی بدون افزایش جرم واقعی، شدت می‌گیرد.

وقتی عدالت کیفری، آموزش اجتماعی، بهداشت روان، خدمات حمایتی و رسانه در کنار هم کار نکنند، ناامنی صرفاً نتیجه‌ای از جرم نیست، بلکه محصول کار نکردن سیستم است.

ما به یک بازنگری عمیق در نگاه‌مان به امنیت نیاز داریم؛ نه‌ه‌فقط افزایش دوربین و گشت، بلکه تقویت پیوند میان مردم و نهادها. شنیدن نشانه‌های تهدید از دل جامعه و بازآفرینی سیستم‌هایی که مردم را تنها نگذارند.

ما نیازمند سیستمی هستیم که بازخوردها را بشنود (از هشدارهای کوچک پیش از فاجعه)، انعطاف‌پذیر باشد (تواند خودش را با تغییرات اجتماعی و فرهنگی هماهنگ کند) و پویایی درونی داشته باشد (تواند خود را بازآرایی و بازتنظیم کند).

در این چارچوب، یک پروژه دائمی و سیال است، نه یک وضعیت مقطعی یا حاصل ابزارهای بازدارنده صرف. و در نهایت، آنچه جامعه را ایمن می‌کند، نه‌تنها سخت‌افزارهای امنیتی، بلکه زیرساخت‌های نرم‌افزاری اعتماد، مشارکت، عدالت و همدلی در درون سیستم اجتماعی است.

در دنیایی که سکوت یک پیام بی‌پاسخ بلندتر از فریاد است، ارتباط نه‌تنها آسان‌تر نشده، بلکه پیچیده‌تر از همیشه به نظر می‌رسد. آیا واقعا می‌دانیم پشت یک ایموجی چه چیزی پنهان است؟ کتاب تازه و هوشمندانه «ارتباط مؤثر در عصر دیجیتال»، نه فقط راهنمایی جامع برای زندگی آنلاین، بلکه زنگ هشدار است برای کسانی که هنوز گمان می‌کنند ارسال پیام، یعنی برقراری ارتباط. این کتاب، به شما نمی‌گوید فقط چه بنویسید، بلکه نشان‌تان می‌دهد چگونه بفهمید که دیگران چه می‌شنوند.

در جهان پرسرعت و پرهیاهوی امروز که مرز میان حضور فیزیکی و آنلاین روبه‌روز محو می‌شود، ارتباطات انسانی بیش از هر زمان دیگری در معرض سوءتفاهم، شتاب‌زدگی و فرسایش قرار گرفته است. ما حرف می‌زنیم، می‌نویسیم، پیام می‌دهیم، اما آیا واقعا ارتباط برقرار می‌کنیم؟ کتاب تازه منتشرشده که از سوی انتشارات کتاب شرق به بازار آمده، پاسخی هوشمندانه و ضروری به این بحران خاموش است. این اثر، حاصل تجربیات، پژوهش و تدریس نویسنده در حوزه ارتباطات و رسانه است و نه فقط برای متخصصان، بلکه برای هر کسی که با گوشی هوشمند، شبکه‌های اجتماعی یا ایمیل سروکار دارد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌آید. کتابی کاربردی، روشن و تأثیرگذار برای آنان که می‌خواهند در جهان آنلاین، همچنان انسانی ارتباط برقرار کنند.

این کتاب، تازه‌ترین اثر منتشرشده در حوزه علوم ارتباطات است که با نگاهی تحلیلی- کاربردی به بازخوانی مفهوم ارتباط در جهان دیجیتال می‌پردازد؛ جهانی که در آن مرز میان ارتباط و پاسخ‌هوشمندانه و ضروری به اندازه یک ایموجی با پیام بی‌پاسخ فاصله دارد. نویسنده آن، دکتر قادر باستانی، پژوهشگر، مدرس دانشگاه و از چهره‌های باسابقه ارتباطات در ایران است که سابقه خوبی در آموزش مهارت‌های ارتباطی و فعالیت مطبوعاتی دارد. او پیش‌تر با کتاب «اصول و تکنیک‌های برقراری ارتباط مؤثر با دیگران» شناخته شد؛ اثری که توسط انتشارات ققنوس در سال ۱۳۸۵ منتشر شد و اکنون به چاپ هفتم رسیده و در طول نزدیک به دو دهه، به مرجعی برای آموزش مهارت‌های فردی و اجتماعی بدل شده است.

سواد دیجیتال: مهارتی برای زنده‌ماندن در سیلاب اطلاعات

باستانی در کتاب ارتباط مؤثر در عصر دیجیتال، از دریچه نظریه منیع معنی و با تکیه بر تجربیات خود، تلاش می‌کند نشان دهد چگونه فناوری‌های نوین، بنیان‌های سنتی ارتباط را دگرگون کرده‌اند. او با وسواسی تحسین‌برانگیز، از ظرفیت پیام متنی و انتخاب ایموجی گرفته تا تأثیر ساختار پلتفرم‌ها بر معنا و کنش ارتباطی، نقشی‌های روشن از جهان پرجالش ارتباطات دیجیتال ترسیم می‌کند. این کتاب، صرفاً یک متن آموزشی برای مهارت ارتباطی نیست؛ بلکه راهنمایی جامع برای بازاندیشی در شیوه‌های زیستن، گفت‌وگو کردن، احساس نشان دادن و حتی قضاوت‌کردن در جهان دیجیتال است. اثری برای تمام کسانی که می‌خواهند از این بستر شتاب‌زده و پراشوب، پلی بسازند به ارتباطی آگاهانه‌تر، انسانی‌تر و اخلاق‌مدارتر. نویسنده با نگاهی عمیق و زبانی روان، ما را به سفری در لایه‌های پنهان و آشکار ارتباطات دیجیتال می‌برد. از مفاهیم پایه‌ای ارتباط مؤثر در فضای آنلاین گرفته تا ریزه‌کاری‌های نوشتن، تصویرسازی و شنیدن در این دنیای نوین، همه با دقت مورد بررسی قرار گرفته‌اند. فصل‌هایی مثل «سواد دیجیتال»، که با زبانی ساده و کاربردی به ما می‌آموزد چگونه در سیلاب اطلاعات شنا کنیم و اطلاعات معتبر را از نامعتبر تمیز دهیم، نقطه قوت این کتاب محسوب می‌شود. آنچه این کتاب را از سایر آثار مشابه متمایز می‌کند، رویکرد همه‌جانبه و کاربردی آن است. باستانی به تمامی ابعاد زندگی آنلاین، از نوشتن یک ایمیل اداری مؤثر تا مدیریت تعارضات در جوامع مجازی و حتی آداب معاشرت در فضای متاورس، پرداخته است. فرض کنید می‌خواهید یک رزومه آنلاین حرفه‌ای بسازید، یا مهارت تهیه ویدئو با موبایل را بیاموزید؛ این کتاب راهنمایی کام به کام در اختیاراتان قرار می‌دهد. حتی برای آنان که در شبکه‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند، مباحثی مانند «نقش الگوریتم‌ها در شکل‌گیری محتوا» یا «تفاوت رسانه اجتماعی و شبکه اجتماعی» بسیار روشنگر خواهد بود. اما اهمیت آن‌تها به مباحث فنی و کاربردی محدود نمی‌شود؛ مؤلف با درک چالش‌های اخلاقی و روانی عصر دیجیتال، به مباحث مهمی مانند «اعتبارسنجی اطلاعات»، «فضای مجازی و دیالکتیک اخلاق» و «ارتباط مؤثر در شرایط بحران» نیز می‌پردازد. در دنیایی که جعل عمیق یا دیپ‌فیک، می‌تواند مرزهای واقعیت و خیال را درهم آمیزد، شناخت راه‌های برخورد با اطلاعات جعلی و آموزش اخلاق دیجیتال، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

نگاهی به آینده ارتباطات: از دیپ‌فیک تا هوش مصنوعی

شاید جذاب‌ترین بخش‌های کتاب، فصل‌هایی باشد که به آینده ارتباطات می‌پردازند. «هوش مصنوعی؛ همدم جدید آنلاین» که نقش این فناوری در تحول ارتباطات و همچنین چالش‌های اخلاقی و امنیتی آن را بررسی می‌کند، دریچه‌ای نو به سوی آینده می‌گشاید. همچنین، فصل «ارتباط مؤثر در متاورس» ما را با دنیای واقعیت مجازی و واقعیت افزوده

آشنا می‌کند و به ما می‌آموزد چگونه در این محیط‌های سه‌بعدی، ارتباطی سازنده داشته باشیم. در واقع کتاب ارتباط مؤثر در عصر دیجیتال، یک راهنمای عملی برای زندگی روزمره در فضای آنلاین و نیز دعوتی است برای تأمل عمیق‌تر درباره نحوه زیستن ما در این عصر نوین و پاسخی است به یکی از فوری‌ترین و عمیق‌ترین نیازهای انسان معاصر؛ فهم و مدیریت ارتباط در دنیایی که دیگر شباهتی به دنیای دیروز ندارد. در روزگاری که مکالمه‌های خانوادگی با ایموجی و گیف جایگزین شده، جلسات کاری در سکوت پلتفرم‌های پیام‌رسان برگزار می‌شوند و سوءتفاهم‌ها نه به خاطر کم‌شنیدن، بلکه به دلیل بدفهمیدن متن‌ها شعله‌ور می‌شود، این کتاب راهنمایی است برای پیمودن راه در جنگل پیچیده ارتباطات دیجیتال. کتاب با نگاهی ژرف و موشکافانه، به پرسش‌هایی پاسخ می‌دهد که اغلب در هیاهوی روزمره نادیده گرفته می‌شوند: چرا لحن یک پیام متنی قادر است رابطه‌ای بسازد یا ویران کند؟ چگونه زمان ارسال پیام، معنا و برداشت آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ چرا سکوت پس از پیام، گاهی بلندتر از هر حرفی فریاد می‌زند؟ و مهم‌تر از همه، در این همه‌چیزگویی بی‌کلام، واقعا چه چیزهایی را از دست داده‌ایم؟

جنگل مین‌گذاری شده‌ای به نام فضای مجازی

آنچه این کتاب را از سایر آثار مشابه متمایز می‌سازد، پرداختن به ارتباط دیجیتال، نه به‌منگابه ابزاری تکنولوژیک، بلکه همچون یک زیست‌جهان تازه است؛ دنیایی که قواعد خودش را دارد. آداب خودش را می‌طلبد و بی‌مهارتی در آن، همان‌قدر خطرناک است که بی‌سوادی در دنیای سنتی. با زبانی ساده، روایتی جذاب و صدها نمونه ملموس از زندگی روزمره، کتاب نشان می‌دهد که چگونه یک قلب قرمز بیجا، یک پیام بی‌پاسخ یا حتی یک تأخیر کوتاه در پاسخ‌دادن، می‌تواند مرز رابطه‌ها را جابه‌جا کند؛ اما این کتاب صرفاً به هشدارها بسنده نمی‌کند. در دل این چشم‌انداز پرجالش، نسخه‌ای برای توانمندسازی فردی و اجتماعی ارائه می‌دهد: آموزش لحن در نوشتار، زمان‌بندی هوشمندانه، انتخاب درست کانال ارتباطی، رمزگشایی از سیگنال‌های پنهان پیام‌های متنی و حتی ادب دیجیتال. نویسنده با تکیه بر تجربه زیسته و تحلیل‌های عمیق، مخاطب را به درکی تازه از مفهوم ارتباط مؤثر در دوران شبکه‌ها می‌رساند. اینجا دیگر زبان بدن و تماس چشمی کافی نیست. باید لحن در متن را شناخت، زبان شکلک‌ها را خواند و سکوت‌های مجازی را شنید. در فصل‌هایی که به ارتباط درون‌زمانی، آموزش مجازی، خانواده‌های آنلاین و روابط عاطفی در پیام‌رسان‌ها می‌پردازد، کتاب به آینه‌ای بدل می‌شود که بسیاری از خوانندگان در آن خود را خواهند دید؛ با تمام اشتباهات، رنجش‌ها، برداشت‌های نادرست و تلاش‌های نافرجام‌شان برای گفت‌وگو در جهانی که دیگر گفت‌وگو به معنای پیشین نیست. اگر تاکنون گمان می‌کردید که فضای مجازی، صرفاً ابزاری برای راحت‌تر حرف‌زدن است، این کتاب نشان‌تان می‌دهد که این فضا، گاه از هر گفت‌وگویی سخت‌تر و از هر حرف‌زدنی پرمعناتر است. و اگر از انزوای ارتباطی، دلخوری‌های خاموش، بحران‌های ناگفته و برداشت‌های مخرب در روابط دیجیتالی خود رنج می‌برید، این کتاب نه‌تنها راه‌حل دارد، بلکه نوعی سیود تازه را به شما معرفی می‌کند؛ سواد ارتباطی در دنیای پرسرعت، بی‌وقفه و پرخطر امروز.

بازتعریف ارتباط انسانی در عصر پلتفرم‌ها

در این ۱۵ سالی که از انتشار کتاب «اصول و تکنیک‌های برقراری ارتباط مؤثر با دیگران» گذشته، چنان دگرگونی ژرفی در سبک زندگی و شیوه ارتباطات انسان‌ها رخ داده که گاهی احساس می‌کنیم جهان ارتباطی جدیدی متولد شده؛ جهانی که در آن حتی پدر و مادر و فرزند، به جای حرف‌زدن با هم، با پیام‌های کوتاه و ایموجی‌های تلگرام و واتس‌اپ گفت‌وگو می‌کنند. واقعیت این است که نسل جدید، جهان ارتباطی خود را در فضای مجازی ساخته و شکل داده است. دنیایی که در آن پیام‌ها به جای صدا، نوشته هستند؛ احساسات به جای نگاه و لحن، با ایموجی منتقل می‌شود؛ و سوءتفاهم‌ها، نه‌تنها کم نشده، بلکه گویی در تاروپود این ارتباط‌های سرد و دور لانه کرده است. اگر تا پیش از این، بر مهارت‌های شنیدن فعال، زبان بدن، تماس چشمی و لحن تأکید داشتیم، اکنون



آینده‌سازان روایت‌های زندگی

آینده‌سازان روایت‌های زندگی

آینده‌سازان روایت‌های زندگی

آینده‌سازان روایت‌های زندگی

معرفی کتاب «ارتباط مؤثر در عصر دیجیتال: راهنمای جامع برای زندگی آنلاین»

وقتی قلب قرمز سوء تفاهم می‌آفریند

راهنمای زنده‌ماندن در جنگل ارتباطات دیجیتال

ناگزیریم در کنار همه آنها، از مهارت‌های دیگری سخن بگوییم؛ از تشخیص لحن در پیام متنی، از زمان مناسب برای ارسال پیام، از انتخاب درست ایموجی و از رمزگشایی پیام‌های یک‌طرفه و کم‌سووی ارتباط دیجیتال. چرا باید مهارت‌های ارتباط در فضای مجازی را جدی بگیریم؟ پاسخ ساده است؛ چون زندگی‌مان به آن گره خورده است. امروز نه فقط برای گیپ‌وگفت با دوستان، بلکه برای کار، تحصیل، خرید، آموزش فرزندان، همکاری سازمانی، مدیریت بحران و حتی ابراز عشق، از فضای مجازی استفاده می‌کنیم. در چنین فضایی، ناتوانی در ارتباط، چیزی شبیه بی‌سوادی در دنیای قدیم است. با این تفاوت که این‌بار بی‌سوادی‌مان ممکن است منجر به تخریب رابطه، سوءتفاهم کاری، برداشت اشتباه، تهدید حیثیتی یا طرد اجتماعی شود. برای مثال، تصور کنید معلمی در پاسخ به پیام تشکر یک دانش‌آموز، یک «قلب قرمز» دریافت می‌کند؛ اما محسّرش این پیام را می‌بیند و ماجرا به بحران عاطفی می‌کشد. یا کارمندی، از روی بی‌احتیاطی، تصویری را در گروه کاری ارسال می‌کند که برداشت‌های جنسی برانگیزد و تا مدت‌ها از فشار روانی آن رها نشود. یا حتی ماجرای ساده‌ای مثل نفرستادن پاسخ برای کلیپ طنز دوستی در واتس‌اپ، تبدیل به رنجش و گلایه‌ای ناگفته شود. این مثال‌ها، کم نیستند. در واقع، فضای ارتباطی مجازی، اگرچه فرصت‌هایی کم‌نظیر برای نزدیکی و ارتباط ایجاد کرده، اما هم‌زمان می‌تواند میدان مین رابطه‌ها باشد؛ جایی که هر گام بی احتیاط، منجر به انفجار سوءتفاهم، دلخوری یا حتی قطع رابطه می‌شود. برخلاف تصورات اولیه، فناوری نه‌تنها سوءتفاهم‌ها را کم نکرده، بلکه گاه آنها را تشدید کرده است. زبان نوشتاری بی‌لحن، بدون نگاه و بدون مکت و مکالمه زنده، بستری است برای برداشت‌های اشتباه. بارها پیش آمده که پیام ساده‌ای با علامت تعجب، یا بی‌پاسخ‌ماندن یک پیام ساده، با استفاده از یک ایموجی خاص، به بحران عاطفی یا شغلی تبدیل شده است. تحقیقات نشان داده که اکثریت کاربران فضای مجازی، هم در انتقال معنای مدنظر خود ناکام‌اند و هم در درک درست مقصود طرف مقابل. به عبارتی، نه می‌توانند خوب بفهمند، نه خوب بفهمند. آن افزایش تنش‌ها، خستگی روانی، بی‌اعتمادی و در نهایت، تهیایی ارتباطی است؛ پدیده‌ای که در دل انبوه ارتباط‌های مجازی، بسیاری را دچار انزوا و بی‌تعاملی کرده است. همه‌گیری کرونا، ضربه نهایی را زد؛ ارتباطات مجازی که تا پیش از آن به‌عنوان مکمل یا جایگزین موقتی به کار می‌رفت، ناگهان به اصلی‌ترین راه ارتباطی بدل شد. مدرسه، دانشگاه، اداره، خانواده، همگی به بستر اینترنت مهاجرت کردند. اکنون، حتی با فروکش‌کردن بحران، بسیاری از آن الگوهای دیجیتال ماندگار شده‌اند. دورکاری، آموزش آنلاین، جلسات مصوبی و چت‌های گروهی، دیگر بخشی از ساختار زندگی روزمره ماست.

سکوتی که گاه از فریاد بلندتر است

دراین‌میان، لازم است بپذیریم که مهارت‌های سنتی ارتباطی، دیگر برای ما کافی نیست. ما نیازمند سواد ارتباطی نوین هستیم؛ سوادی که شامل شناخت ابزارها، زمان‌بندی مناسب، لحن نوشتاری، شناخت اقتضات فرهنگی ارتباط دیجیتال و مدیریت برداشت‌های احتمالی است. همه اینها به معنای نفی فضای مجازی نیست. اتفاقاً این فضا، فرصت‌هایی ارزشمند در اختیارمان قرار داده است: کنترل هیجان هنگام نگارش پیام، فرصت برای بازاندیشی پیش از ارسال پیام، حذف اصطلاح‌های ناخواسته چهره‌به‌چهره، توانایی بهتر برای ابراز وجود در میان افراد خجالتی و حتی تسهیل ارتباط با کسانی که هزاران کیلومتر دورتر از ما هستند. اما برای بهره‌بردن از این فرصت‌ها، باید به مهارت‌هایی مجهز شویم که شاید در هیچ کتاب درسی، هنوز جایگاه مشخصی ندارند. این کتاب، تلاشی است برای پرکردن این خلأ. اینجا درباره انتخاب زبان مناسب، تنظیم زمان ارسال، مدیریت گروه‌های مجازی، مهارت گفت‌وگو در پیام‌رسان‌ها، شیوه ابراز احساسات، و حتی آداب معاشرت دیجیتال صحبت می‌کنیم. امروز کیفیت روابط خانوادگی، شغلی، تحصیلی، اجتماعی و حتی معنوی ما، بستگی به میزان توانایی ما در ارتباط مؤثر دیجیتالی دارد. در جهانی که بخش عمده ارتباطات ما در فضای مجازی رخ می‌دهد، ناتوانی در این نوع ارتباط، همان‌قدر آسیب‌زاست که در گذشته، ناتوانی در سخن‌گفتن. سواد ارتباطی دیجیتال، ترکیبی است از مهارت‌های نرم (مانند همدلی، ادب، توجه، احترام) و دانش فنی (شناخت پلتفرم‌ها، تنظیم حریم شخصی، حفظ امنیت اطلاعات و...) بدون این مهارت‌ها، نه‌تنها نمی‌توانیم از فرصت‌های بی‌نظیر این فضا بهره ببریم، بلکه ممکن است در باتلاق سوءبرداشت‌ها، تنش‌ها و انزواهای مجازی گرفتار شویم. این کتاب، دعوتی است به بازاندیشی در جهان تازه‌ای که در آن زیست می‌کنیم. جهانی که نه‌تنها در آن با هم در ارتباطیم، بلکه گاه تنها راه پیوند ما با یکدیگر، همین ابزارهای دیجیتال هستند. اگر بیاموزیم درست بشنویم، درست بنویسیم، درست ارسال کنیم و درست درک کنیم، شاید بتوانیم از این جهان پرشتاب و در عین حال بی‌قرار، جهانی انسانی‌تر، صمیمی‌تر و معنادارتر بسازیم. ای کاش همان‌قدر که به آنت‌دهی موبایل حساس هستیم، به آنت‌دهی دل‌ها هم توجه می‌کردیم و این کتاب، تلاشی است برای تنظیم این فرکانس انسانی در دنیای دیجیتال.



آینده‌سازان روایت‌های زندگی

آینده‌سازان روایت‌های زندگی

آینده‌سازان روایت‌های زندگی